

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

How Compensation of Damages is Addressed in Iraqi and Iranian Civil Law

Zainab Sultan Hussein Al-Hameed¹, Mojtaba Nikdosti^{*2}, Samah Hussein Ali³, Mohammad Javad Abdollahi⁴

1. PhD Student, Department of Private Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Law, Isfahan (Khomeinshahr) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran
3. Department of Law, Faculty of Law, University of Babylon, Babylon, Iraq.
4. Professor of the Department of Rights, Vahed Khomeini Shahr, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

* Corresponding Author's Email: mojtaba@vatanmail.ir

ABSTRACT

The primary objective of civil liability, whether tortious or contractual, is the compensation of damages. In this regard, the reparation of losses sustained by the injured party is intended to restore him or her to the position that would have existed had the contract not been concluded or the injurious act not occurred. To achieve this objective, both the Iranian and Iraqi legal systems rely on different approaches. Among the essential elements of contractual liability and civil liability is the existence of damage or loss, and the compensation of such damage or loss within either form of liability must meet certain conditions. Once the existence of loss is established, liability is realized alongside other requirements. Civil liability is distinct from other legal concepts, particularly criminal liability. At times, civil liability precedes criminal liability, and at other times it does not; as a result, compensation for harm may sometimes accompany punishment and sometimes not. Civil and criminal liabilities differ with respect to standards of assessment and the purpose of liability. While the standard for assessing civil liability is the extent of actual harm, the standard for assessing criminal liability is based on the gravity of fault or negligence in violating a general principle. The aim of civil liability is to protect the interests of the injured party through reparation. Although civil liability and contractual liability share many features in straightforward cases and no essential differences exist that would justify treating them as separate categories, certain divergences between the two forms of liability do exist. These distinctions are analyzed and debated in this study in comparison with the new European law.

Keywords: *compensation, damage, civil liability, material damages, moral damages.*

تاریخ ارسال: ۱۴ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۳ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۰ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۳۰ شهریور ۱۴۰۳

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

چگونگی جبران خسارت‌ها در قانون مدنی عراقی و ایرانی

زینب سلطان حسین الحمید^۱، مجتبی نیکدوستی^{۲*}، سماح حسین علی^۳، محمدجواد عبداللهی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد اصفهان (خمین شهر)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۳. گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه بابل، بابل، عراق.

۴. استادیار گروه حقوق، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: mojtaba@vatanmail.ir

چکیده

هدف مهم مسئولیت مدنی تقصیری یا تعاقدی، جبران خسارت‌هاست. به گونه‌ای که جبران زیان‌هایی که به طرف زیان دیده رسیده، جبران می‌شود و وی در همان شرایطی قرار می‌گیرد که در صورت نبودن قرارداد یا عدم وقوع فعل زیان رساننده در آن قرار می‌گرفت. برای تحقق این هدف، در دو قانون ایرانی و عراقی به شیوه‌های مختلفی تکیه شده است. از عوامل لازم برای مسئولیت عقدی و مسئولیت مدنی، وجود خسارت یا ضرر است و باید جبران این خسارت یا ضرر در قالب هر یک از انواع مسئولیت، شروط مشخصی داشته باشد. پس از اثبات وجود ضرر، در کنار دیگر شروط، مسئولیت تحقق می‌یابد. مسئولیت مدنی با دیگر مفاهیم از جمله با مسئولیت جنایی متفاوت است و گاه از مسئولیت جنایی سبقت گرفته و گاه از آن سبقت نمی‌گیرد، در نتیجه جبران ضرر گاهی می‌تواند همراه با کیفر باشد و گاه بدون آن. مسئولیت مدنی و جنایی از حیث معیارهای قیاس و هدف مسئولیت، با یکدیگر متفاوتند، در حالی که معیار ارزیابی مسئولیت مدنی مقدار ضرر واقع شده است، معیار ارزیابی مسئولیت جنایی، متکی بر وخامت خطا یا تقصیر در تجاوز از اصل کلی است. هدف از مسئولیت مدنی حمایت منافع طرف زیان دیده از طریق جبران است. و با اینکه مسئولیت مدنی و مسئولیت عقدی در جوانب بسیاری در مسائل ساده مشترک هستند و تفاوت اساسی بین آن‌ها وجود ندارد که به تعددشان بینجامد، اما اختلافهایی بین این دو نوع مسئولیت وجود دارد که در این بررسی در مقایسه با قانون جدید اروپا مورد مناقشه قرار می‌گیرد.

کلیدواژگان: جبران، ضرر، مسئولیت مدنی، خسارت مادی، خسارت معنوی.

نحوه استناددهی: سلطان حسین الحمید، زینب. نیکدوستی، مجتبی. حسین علی، سماح. و عبداللهی، محمدجواد. (۱۴۰۳). چگونگی جبران خسارت‌ها در قانون مدنی عراقی و ایرانی. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۲(۲)، ۱۷۷-۱۹۳.



مسئولیت مدنی از نقض قرارداد نشأت نمی‌گیرد، در حالی که مسئولیت تعاقبی مسئولیتی است که در نتیجه نقض شروط خاص قرارداد ایجاد می‌شود. اما لازم به ذکر است که هدف مهم و اساسی هر دو مسئولیت، جبران خسارت شخص زیان دیده است.

در ادامه، اگر خسارت بدون جبران بماند، حق معنای عینی خود را از دست داده و بالقوه می‌شود. آنچه که امروز می‌تواند ثبات قراردادها حفظ کرده و یک ضمانت واقعی برای اجرای تعهد باشد، جبران مناسب و کامل خسارت‌هاست، زیرا این مساله طرف قرارداد را ملزم به اجرای تعهد می‌کند و از سوی دیگر تا حد زیادی از اخلاف در تعهدات می‌کاهد.

این پژوهش به شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی در دو قانون ایرانی و عراقی می‌پردازد.

پژوهش حاضر را به دو مبحث تقسیم کرده‌ایم؛ مبحث اول به مفهوم خسارت‌های اختصاص دارد و آن را به سه بخش تقسیم کردیم، بخش اول، مفهوم جبران و انواع آن، بخش دوم مفهوم ضرر و شروط آن و بخش سوم، اهداف عمده مسئولیت مدنی. در مبحث دوم، شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی را مورد بررسی قرار دادیم و آن را دو بخش تقسیم کردیم؛ بخش اول شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی عراق، و بخش دوم، شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی ایران.

مبحث اول: ماهیت حقوقی جبران خسارت

ضرر یکی از مهم‌ترین ارکان مسئولیت مدنی است، چرا که تا ضرر نباشد، مسئولیتی هم نیست و هدف از تثبیت مسئولیت مدنی، جبران خسارتی زیان دیده است، به این شرط که آن خسارت‌ها نتیجه رفتار اشتباهی باشد که از شخصی سر زده و آن شخص رابطه سببی با خسارت دارد (Al-Awji, 2007) و در ماده (۲۰۴) قانون مدنی عراقی آمده است: «هر تعدی که به غیر ضرری برساند، مستوجب جبران است» و زیان ناشی از جرم، اساس جبران است، بنابراین، مستلزم وجود دو عنصر است؛ اول وجود جرم و دوم

یکی از مسائل مهم جامعه، تحلیل و بررسی جبران خسارت در مسئولیت مدنی است. مسئولیت از جنبه قانونی به معنای بازخواست از شخص در مورد اقداماتی است که معمولاً به وی منسوب می‌شود و مسئولیت مدنی زمانی شکل می‌گیرد که قانون از شخص درخواست جبران ضررهایی را می‌کند که برای دیگری ایجاد کرده است. همانطور که مسئولیت مدنی همان مسئولیتی است که برای پاسخگویی به ایجاد ضرر بوجود می‌آید و شخصی که موجب ضرر شده است را مجبور به جبران می‌کند. از این رو، هر جا شخص مسئول جبران ضررهایی شخص دیگری است، مسئولیت مدنی وجود دارد. بر همین اساس، مسئولیت یک رابطه خاص بین فاعل و طرف زیان دیده را ایجاد می‌کند، که عبارت است از جبران زیان‌ها. به همین دلیل، مسئولیت مدنی در معنای وسیع‌تر و فراگیرتر، شامل مسئولیت تعاقبی و غیر تعاقبی می‌شود، زیرا مساله مهم در هر دو حالت، همان جبران است. مسئولیت مدنی در معنای کلی، دربردارنده مسئولیت تعاقبی و در معنای خاص، مسئولیت مدنی تقصیری است. مسئولیت عقدی همان تعهد قانونی و الزام مدیون برای جبران ضرری است که در نتیجه عدم اجرای تعهد ایجاد شده است. اما در مسئولیت مدنی به معنای خاص (یعنی مسئولیت تقصیری) شخص عقدی را با طرف زیان دیده ندارد و قانون در شرایط معینی وی را ملزم به جبران ضرری می‌کند که به دیگری رسانده است.

از این رو، یکی از عوامل لازم برای ایجاد مسئولیت عقدی و مسئولیت مدنی، وجود خسارت یا زیان است و لازم است جبران شروط خاصی در هر یک از انواع مسئولیت داشته باشد. اما فرق اصلی بین این دو مسئولیت، در وجود داشتن یا نداشتن قرارداد بین طرفین نهفته است.

در واقع، اصل مسئولیت مدنی زمانی آغاز می‌شود که قراردادی برای اجرای تعهد بین طرف‌ها وجود نداشته باشد.

وجود رابطه سببی بین ضرر و خطا، و مادامی که زیان واقعی، مستقیم و شخصی نباشد، جبران ضرر واجب نیست، این موارد عنصری است که اصل جبران را تشکیل می‌دهند و برای اینکه مبحث فراگیرتر و کامل تر شود، اقدام به تقسیم آن به سه گفتار کردیم؛ گفتار اول مفهوم جبران و انواع آن، گفتار دوم مفهوم ضرر و شروط آن و گفتار سوم اهداف عمده مسئولیت مدنی.

گفتار اول: مفهوم جبران خسارت و انواع آن

ضرر به طور کلی به یک نفع مشروع یا یک حق مربوط بوده و بر دونوع است: یا ضرر مادی که به شخص یا جسم و مال او می‌رسد یا یک خسارت مالی را به دنبال دارد یا فرصتی را از بین ببرد و یا یک ضرر ادبی داشته باشد، به نحوی که به اموال زیان دیده آسیبی نزنند، بلکه یک نفع غیر مالی یا حق را هدف قرار دهد. برای مثال آسیب رسیدن به جسم، یک ضرر مادی محسوب می‌شود، به این اعتبار که تعدی به سلامت جسم و حق انسان برای حیات است و ضرر ادبی، ضرری است که به احساس و عاطفه زیان دیده آسیب برساند و حزن و اندوه و درد و حسرت را به دنبال آنچه به جسمش آسیب زده، به دنبال داشته باشد، همانطور که ضرر ادبی می‌تواند به آبرو و شرفات شخص آسیب برساند. این مطلب را در دو بند مورد بررسی قرار خواهیم داد؛ بند اول تعریف جبران و بند دوم انواع جبران.

بند اول: تعریف جبران خسارت

جبران در لغت از عوض گرفته شده است، به معنای جایگزین، پس وقتی گفته می‌شود عوض فلان و اعضته، یعنی به او به جای آنچه از دست داده، اعطا کردم و اعتضت من فلان یعنی از او عوض و جبران گرفتم (Ibn Manzur, 2010).

اما در اصطلاح، تعویض به معنای تعهد جبران ضرر و زیان یا ضرر کلی یا جزئی وارد شده به جان انسانی غیر است (Al-Zuhayli, 2003). همانطور که آن را مالی دانسته اند که بوسیله آن بر شخصی که به مال یا جان یا شرافت غیر آسیب زده، حکم می‌شود

(Shaltout, 1995) و می‌توانیم از این تعریف نتیجه بگیریم که تعویض تنها برای جبران ضرر در مال یا جان یا شرافت است. در یک تعریف دیگر، جبران همان عاملی است که مسئول را در برابر شخصی که به وی خسارت زده ملزم به مسئولیت مدنی می‌کند (Nasr al-Din, 1983).

اما در خصوص تعریف جبران در قانون عراقی، تعاریف متعددی در فقه قانونی آمده است، همانطور که برخی آن را اینگونه تعریف کرده اند: «مبلغ مال یا هر گونه رضایت گرفتنی از جنس ضرر که معادل منفعتی باشد که در صورت انجام تعهد از سوی مدیون داین به آن دست می‌یابد، به نحوی که این از تعهد مدیون را موظف به رعایت حسن نیت کرده و اعتماد در معاملات را از او درخواست می‌کند» (M. K. Hassan, 2006).

در تعریف دیگری آمده است: «وسیله دستگاه قضا برای جبران و از بین بردن ضرر یا تخفیف آن و جبران بستگی به وجود یا عدم ضرر دارد و بزرگی خطا تاثیری در آن ندارد، بلکه با ضرر برابری می‌کند» (Abd al-Majid, 1980).

ناگزیر باید یادآوری کنیم که کارشناسان متوجه عدم دقت در کلمه تعویض شده اند که معنای جبران ضرر بر آن اطلاق می‌شود، بنابراین تعویض همان جبرانی است که زیان دیده برای جبران ضررش مستحق آن است، و ضمانت همان تعهد به جبران است، به این ترتیب غرامت بر چیزی که برای جبران داده می‌شود منطبق است، در حالی که لفظ ضمانت بر فعل جبران اطلاق می‌شود، که به معنای تعهد به دادن شیء جبران کننده است و بر این اساس، کارشناسان «ضمانت» را بر عملیات جبران خسارت اطلاق می‌کنند (Al-Bousaidi, 2005).

بند دوم: انواع جبران خسارت

در واقع، جبران خسارت یک اقدام یا تدبیر اتخاذ شده برای تضمین اجرای تعهد از سوی مدیون از یک سو و بدون تاخیر و در زمان مناسب از سوی دیگر است، و اگر اهمیت اجرای موضوع عقد و

در پایان هدف نظام جبران در قانون مدنی ارجاع و بازگرداندن خسارت دیده به شرایط او قبل از وقوع خسارت است (Muqaddam, 1992).

گفتار دوم: مفهوم ضرر و شروط آن

در تعریف مسئولیت گفتیم که به معنای تحمیل نتایج اقدامات حاصل از مخالفت با وظیفه، بر شخص است و بر این اساس و با توجه به نوع و طبیعت وظیفه، مهمترین اشکال مسئولیت، همان مسئولیت مدنی است، همانطور که مسئولیت عقدی یکی از انواع آن است و در ماده (۲۰۴) قانون مدنی عراقی آمده است:

«هر تعدی که ضرری به غیر برساند، مستحق جبران است». و با توجه به اینکه ضررهای ناشی از جرم اساس جبران است، این امر مستلزم وجود دو عنصر است: اول وجود جرم و عنصر و دوم وجود رابطه سببی بین ضرر و اشتباه، از این رو، در این گفتار به تعریف ضرر و شروط آن می‌پردازیم.

بند اول: تعریف ضرر

ضرر در لغت به معنای نبود نفع، شدت و سختی و بد حالی است، همانطور که به معنای نقص در جان و مال است (Hassan, 2018). در فقه ضرر آسیبی تعریف شده است که به نفع مشروع شخص یا یکی از حقوق وی می‌رسد (Muhammad, 2011). همچنین آن را زیانی معرفی کرده اند که یکی از حقوق شخص یا نفع مشروع او در مورد جان یا مالش را هدف قرار می‌دهد و به سلامت جسم یا شرافت یا عاطفه و یا اعتبار شخص آسیب می‌زند (Abd al-Hakim, 1998).

قانونگذار عراقی در ماده (۲۰۲) قانون مدنی عراقی «هر فعل زیان رسانی» اشاره می‌کند که مسئولیت بر عنصر ضرر استوار است و تعهد حکومت به پرداخت غرامت‌ها تبدیل به یک ضرورت اجتماعی شده است. پرداخت غرامت در اینجا بر اساس اشتباه صورت نمی‌گیرد، بلکه به افراد جامعه برای مقابله با خطرات اجتماعی ناشی از جرم کمک می‌کند (Jabbar, 1984).

انجام آن در زمان مناسب نباشد، قراردادی در کار نیست. در حقیقت طرف‌های قرارداد، عقد را برای رسیدن به اهداف و انگیزه‌های تعاقدی امضا می‌کنند و اگر تعارضی بین آن و اهداف و انگیزه‌های تعاقدی پس از امضای قرارداد نباشد، وجود یک ساز و کار برای بازگرداندن شرایط به مرحله پیش از امضای قرارداد لازم و ضروری است.

در قانون مدنی دو نوع جبران اصلی وجود دارد، جبران مادی و جبران معنوی، که هدف از جبران مادی، جبران خسارت‌های مالی وارد شده به زیان دیده است، مانند خسارت‌هایی که به دارایی‌های او رسیده یا خسارت‌های مستقیم یا عرضی یا استتباعی. اما هدف جبران معنوی، جبران خسارت غیر مادی زیان دیده است، مانند خسارتی که متوجه کرامت یا احساس یا شرافت او می‌شود (Ali, 2011).

همانطور که انواع دیگری از جبران وجود دارد مانند:

۱- جبران توافقی: جبرانی است که طرف‌های قرارداد بر سر آن توافق می‌کنند و نشان دهنده مقدار غرامت در صورت اخلال یکی از طرف‌ها در تعهداتش است.

۲- جبران قضایی: جبرانی است که در صورت نبود توافق قبلی یا عدم کفایت توافق قبلی معمولاً از سوی دادگاه اندازه گیری می‌شود و اساس آن، طبیعت ضرری است که به خسارت دیده رسیده است.

۳- جبران ضرر مستقیم و غیر مستقیم: ضرر مستقیم ضرری است که نتیجه یک فعل زیان رساننده مستقیم است و ضررهای غیر مستقیم، ضررهایی هستند که به فعل زیان رساننده به صورت مستقیم ارتباطی ندارند.

۴- جبران ضرر مترقبه و غیر مترقبه: ضرر مترقبه همان ضرری است که از قبل توقع وقوع آن ممکن بوده، اما ضرر غیر مترقبه ضرری است که پیش بینی آن ممکن نبوده است.

بند دوم: شروط ضرر

ضرر به طور کلی اخلال در یک نفع قانونی را ایجاد می‌کند، همانطور که به معنای اخلال در نفع محقق برای جان یا مال خسارت دیده است. به این ترتیب ناگزیر باید دو شرط وجود داشته باشد تا ضرر موجب جبران شود، وجود اخلال و اینکه آن اخلال در نفع مشروع یا مورد حمایت قانون باشد (Hussam al-Din).

شروط ضرر می‌تواند به این ترتیب خلاصه شود:

اول) ضرر کنونی قطعی و مستقیم باشد

اشکال تعدی که موجب می‌شود ضرر مستحق جبران شود، متنوع هستند، مانند ضرری که از طریق اتلاف مال به حق مالکیت می‌رسد ضرری که سلامت جسم یا شرافت و آبرو و اعتبار را هدف گرفته یا باعث محرومیت خانواده‌ای از نفقه قانونی اش شود، رکن ضرر را محقق می‌کند، چرا که تعدی به یکی از حقوق مورد حمایت قانون مربوط است (Ahmad, 2008).

دستگاه قضا و فقه بر این عقیده اند که در صورت گسترش ضرر در نتیجه افزایش عناصر تشکیل دهنده آن، پس از صدور حکم نهایی جبران، خسارت دیده می‌تواند درخواست تکمیل جبران کند و در این حالت اعتراض به امر مقتضی از حکم صادر شده که مبتنی بر جبران ضرری است که هنگام صدور حکم به خسارت دیده رسیده، ممکن نیست، بنابراین قاضی در جبران تکمیلی با یک ضرر جدیدی مواجه است که پیش از این در مورد آن حکمی نداده و افزون بر ضرر قدیمی است. دادگاه تجدید نظر عراقی بر وجوب تحقق ضرر تاکید کرده است، پس حکم داده است که ضرر درخواست شده باید محقق شده باشد و محتمل بودن وقوع آن کفایت نمی‌کند.

دوم) از دست رفتن فرصت

با وجود اینکه دادگاه‌های مدنی در مورد ضرورت جبران خسارت‌های محقق شده بدون در نظر گرفتن زمان حال یا آینده

آن‌ها گرایش واضحی اتخاذ کرده اند و هر چند که براساس این احکام ضرر احتمالی جبرانی ندارد، برخی اشکال ضرر وجود دارند که شناخت طبیعت آن‌ها دشوار است و مشخص نیست آیا ضرر محقق شده محسوب می‌شوند یا ضرر احتمالی و از مهمترین این اشکال، از دست دادن فرصت است (Al-Dhanun, 2006).

از دست دادن فرصت یک اقدام زیان رسان است که باعث می‌شود خسارت دیده فرصت تحقق جبران خسارت را از دست بدهد، مانند اینکه غیر باعث تاخیر در ارائه اوراق شخصی برای مشارکت در مسابقه‌ای شود، یا وکیل دعوی در ارائه اعتراض در زمان مشخص شده تاخیر کند، آنچه که این شخص را مسئول از دست رفتن آن فرصت‌ها می‌کند و همزمان باید نسبت موفقیت اعتراض در نظر گرفته شود. تمام این افراد از فرصتی محروم شدند که امیدوار بودند باعث موفقیتشان شود و به این ترتیب از دست رفتن آن فرصت به مثابه ضرری است که واجب الجبران است.

گفتار سوم: اهداف عمده ی مسئولیت مدنی

تعدادی اهداف اصلی وجود دارد که مسئولیت مدنی برای تحقق آن تلاش می‌کند:

اول: جبران

همانطور که ذکر کردیم، مسئولیت مدنی مسئولیتی است که برای پاسخ دادن به ایجاد خسارت بوجود می‌آید و شخصی که باعث ضرر شده است را مجبور به جبران می‌کند. و در رابطه با هدف مشترک بین مسئولیت تقصیری و مسئولیت عقدی، گفته می‌شود چارچوب این دو نوع مسئولیت منحصر به ضررها و آسیب‌هایی که به اصول مادی و مالی می‌رسد، نیست، بلکه همچنین امور غیر مادی که معنوی محسوب می‌شوند را نیز در بر می‌گیرد، مانند درد و رنج و خسارت‌هایی که متوجه شهرت و محبوبیت یا حقوق مربوط به شخصیت می‌شود و آسیب زدن به شرافت و حقوق مولف و نظیر آن.

لازم است مبلغی که او انتظار دارد پرداخت شود. همانطور که در حالت ضرر معنوی، ارضای خسارت دیده و درخواست تسلی او نیز نوعی جبران سستی محسوب می‌شود. و گاهی رضایت قربانی از طریق پرداخت مال یا راه‌های دیگری مانند عذرخواهی و اظهار ندامت و بی اعتبار کردن مجرم محقق می‌شود (Badini, 2005).

دوم: بازدارندگی

می‌توان هدف دیگری را برای مسئولیت مدنی تقصیری یا عقدی مشخص کرد، که همان جنبه بازدارندگی مسبب خسارت است که با ملزم کردن او برای جبران خسارت واقع می‌شود. یعنی قانونگذار مسبب ضرر را مسئول جبران خسارت دیده می‌کند تا انصاف رعایت شده و یک شوک مالی برای مجازات مسبب خسارت وارد کند، زیرا مسبب خسارت با اقدام غیر مشروع و غیر قانونی خود از حدود تعیین شده برای حقوق خاص خود فراتر رفته و به حقوق خاص خود و حقوق دیگران آسیب وارد کرده است. برای جبران این تعدی و اهمال، قانونگذار جبران را به عنوان مجازات تعیین کرده است تا متحمل نتایج و عواقب اقدامات غیر قانونی و غیر عادی شخص زیان رساننده شود. بر این اساس، شخص زیان رساننده در اقدامات بعدی خود حقوقش را در نظر گرفته و به حد و مرزهای شرعی و عرفی احترام می‌گذارد (Aghababa, 2018). در واقع، عدم برخورد با متجاوزان حقوق خاص و مالی افراد، می‌تواند موجب تبدیل این تجاوزها به یک فرهنگ اشتباه شده و باعث قرار گرفتن حقوق آن‌ها در معرض خطر شود. بر همین اساس، جبران ضررها نوعی مجازات مالی شناخته می‌شود. و تعدادی از حقوقدانان در دولتهای غربی نظریات مشابهی در این باره اظهار داشته اند.

در فقه و قانون ایرانی نمی‌توان به صراحت ادعای قبول این نظریه را کرد، اما چه بسا تفسیر سخنان برخی کارشناسان و فقها در این باره ممکن باشد. برای مثال، برخی برای اثبات مشروعیت مسئولیت مدنی که متکی بر مقابله به مثل است، به آیات قرآن تکیه کرده اند،

در حالت ضررهای معنوی، با توجه به اینکه جبران خسارت و فواید از دست رفته به همان شکل مشابه قبلی غیر ممکن است و برای راضی کردن طرف خسارت دیده و ضمانت نادیده نگرفتن قواعد و اصول قانونی مانند عدالت و انصاف، قانونگذار راه حلی در پرداخت مبلغ مالی ایجاد کرده است تا بتواند بخشی از تألم رسیده به شخص خسارت دیده را جبران کند (Aghababa, 2018).

اما در خصوص ضرورت جبران با اشکال مختلف اختلاف نظری بین فقها و کارشناسان وجود دارد که یکی از آن‌ها پرداخت نقدی است. برخی کارشناسان قانون معتقدند که ارزیابی ضررهای معنوی از جنبه مالی تنها یک امر مشکل و دشوار نیست، بلکه اهانتی به شخصیت قربانی نیز محسوب می‌شود. به دیگر معنا، جبران ضرری که به شهرت شخصی که شرافت و کرامت نگهبان مال اوست، ممکن نیست، زیرا پرداخت نقدی نمی‌تواند شرافت و کرامت از دست رفته وی را احیاء کند. از سوی دیگر، طرفداران جبران خسارت به صورت نقدی معتقدند با وجود اینکه پرداخت نقدی نمی‌تواند شرافت یا کرامت و یا محبوبیت از دست رفته را برگرداند، ما وسیله‌ای برای کاهش رنج و فراهم شدن رضایت روانی برای قربانی است و پرداخت نقدی به شخص زیان دیده مسیر را برای تحقق این اهداف هموار می‌کند. افزون بر این، قانون اساسی هم درخواست جبران خسارت‌های معنوی را قبول می‌کند (Badini, 2005).

در شریعت اسلامی و قواعد شریعتی که بر قانون ایرانی حاکم است، پرداخت مال در مقابل ضررهای معنوی با هدف مسئولیت مدنی در قبال این نوع ضررها ممکن نیست، زیرا مشخص نیست مقدار پرداختی که طرف خسارت دیده را راضی خواهد کرد، چه اندازه است. در اقدام عملی، دستگاه‌های قضایی براساس معیارهای نوعی تقریباً به شکل انحصاری عمل می‌کنند تا نوع ضررها را مشخص کنند، در حالی که اگر هدف کسب رضایت قربانی باشد،

مانند آیه ۴۰ سوره مبارکه شوری "وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا" به معنی جزای هر بدی مانند آن بدی است. یا آیا ۱۹۴ سوره مبارکه بقره "فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ". به معنی هر کس به شما تعدی کرد، از همان راهی که به شما تعدی کرده، به او تعدی کنید. هدف ثانویه از مسئولیت مدنی به شخصی که موجب ضرر شده منحصر نمی‌شود. به این معنا که اگر جبران ضرر منجر به مجازات شخصی شود که باعث ضرر شده و در ادامه از این جبران درسی بگیرد، می‌توان اینگونه تأثیرات را در طرف‌های سوم نیز ملاحظه کرد (Badini, 2005).

سوم: حفظ نظم در جامعه

از مهمترین اهداف مسئولیت مدنی، تطبیق قواعد و اصول قانونی مشخص مربوط به تنظیم حقوق و وظایف افراد است. یعنی در صورتی که افراد حد و مرزی در رفتارها و فعالیت‌های خود نداشته باشند، حقوق افراد با یکدیگر در تعارض قرار گرفته و نظام و انضباط در جامعه را مختل خواهد کرد، به نحوی که هر شخص مدعی می‌شود حق موجود به او باز می‌گردد.

قواعد و اصول قانونی که امکان انکار آن وجود ندارد، مانند اجرای عدالت و انصاف، و اصل احترام به حقوق دیگران و قواعدی مانند قاعده عدم آزار دیگران، اساس جامعه هدفمند و منضبط را تشکیل می‌دهد.

در واقع، تنظیم و تصحیح روابط مادی و مالی و معاملاتی بین اشخاص مختلف در جامعه، برای تحقق این هدف صورت می‌گیرد.

و در ادامه قانون خاص از طریق ضمانت حقوق و آزادی‌های شهروندان نقش نظارت بر قانون عمومی را عهده دار می‌شود (A.

a.-D. Hassan, 2006).

مبحث دوم: شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی

جبران خسارت‌ها یکی از مفاهیم مهم برای جبران در حالت‌هایی است که اهداف و انگیزه‌های طرف‌های قرارداد در حین اجرای

عقد تغییر می‌کند، و تفاوتی نمی‌کند که یکی از آن‌ها به دلایل مختلف محقق نشده باشد. مفهوم جبران در قوانین ایران و عراق به صورت مستقیم و غیر مستقیم یک اساس دینی دارد و الهام گرفته از آیات قرآن کریم است، که این مفهوم با تفاسیر دیگر دانشمندان و فقها توسعه یافته و شروط اجرای آن به این ترتیب است که الهام گرفته از قرآن بوده و سپس با افزودن تفاسیلی از سوی دانشمندان و فقها تکمیل شده است.

از این رو در مبحث حاضر به دو مطلب خواهیم پرداخت؛ گفتار اول شیوه‌های جبران خسارت در حقوق ایران و عراق، و گفتار دوم ضرورت جبران معنوی.

گفتار اول: شیوه‌های جبران خسارت در حقوق ایران و عراق

راه‌ها و ساز و کارهایی برای جبران در قانون ایران و عراق وجود دارد که از این قرار است:

بند اول: استرداد عین:

شکی نیست که جبران ضررها مهمترین هدف قانون مسئولیت مدنی است. و در این راستا، ارزیابی ضررهای قابل جبران و تعیین حجم آن اهمیت زیادی دارد. درست مانند مرحله اثبات وارد شدن ضرر، طرف زیان دیده باید برخی اصول اساسی که نظام مسئولیت مدنی اقتضا می‌کند را اثبات کند. در مرحله ارزیابی ضررها و بویژه در رابطه با ضررهای مالی، تعدادی اصول اساسی وجود دارد که دادگاه ملزم به رعایت آن است. برخلاف برخی کشورها، قاضی می‌تواند میزان غرامت‌ها را تعدیل کند، همانطور که اختیار افزایش یا کاهش میزان ضررها را دارد. در برخی نظامهای قانونی، مانند قانون کلی فرانسه که راهنمای حکم محسوب می‌شود، اصلی یا عنوان جبران کامل خسارت یا توازن بین جبران و خسارت وجود دارد و بر اساس آن، لازم است جبران معادل ضرری باشد که واقع شده، به نحوی که علاوه بر حمایت طرف زیان دیده از خسارت دارایی‌ها، مانع از آن می‌شود که وی به شکلی که شایسته و حق نیست بر آن دارایی دست یابد.

یا بخاطر منفعت و فرقی نمی‌کند که این مال غیر به صورت مستقیم اتلاف شده باشد یا به طور غیر مستقیم، در هر صورت از ارزش آن کاسته شده است»

همانطور که در ماده ۳۳۱ قانون مدنی ایرانی در خصوص تسبیب آمده است: «کسی که باعث یک خسارت مالی شود، ملزم است مثل یا بهای آن را بپردازد و اگر موجب عیب یا نقصی در آن شود، باید هزینه آن عیب و نقص را متحمل شود».

و با توجه به راه جبران ضرر در اصول کلی ضمانت در قانون مدنی، مشخص می‌شود که قانونگذار در تمام آن‌ها به یک اقدام واحد نظر دارد و در صورتی که عین باقی بماند و اتلاف نشود، رد العین واجب است (Amid Zanjani, 2003).

در قانون مدنی عراقی، غاصب باید عین مال را به صاحبش بازگرداند و این در صورتی است که مال اتلاف نشده یا تغییر و تحولی در آن صورت نگرفته باشد، به نحوی که قابل شناسایی نباشد. این قاعده کلی است، اما چه بسا برخی استثنایا یا حالت‌های خاصی وجود دارد که قانونگذاری‌ها آن را تنظیم کرده اند. بنابراین قاعده کلی غاصب را ملزم به رد مال غصب شده به صاحبش در حالت اصلی مال یعنی عین آن می‌کند. برخی حالت‌های خاصی وجود دارد که قانونگذاری‌ها تنظیم کرده اند، مانند حالت‌های ضرورت یا حالت‌های تغییر در شیء غصب شده به دلیل اقدامات غیر. این اصل از ماده ۱۷۹ قانون مدنی عراقی گرفته شده است که براساس آن غاصب ملزم به بازگرداندن مال غصبی به صاحبش همراه با اجرت المثل آن می‌شود و این در صورتی است که شیء غصب شده در حالت اصلی اش نباشد.

«۱- در صورتی که معقود علیه در عقد معاوضه از بین برود، در حالی که در دست صاحبش است، عقد فسخ می‌شود، چه از بین رفتن نتیجه فعل او باشد یا نتیجه اعمال زور و در هر صورت رد عوض یا جبرانی که برای صاحبش قبض کرده بر او واجب است. ۲- در صورتی که مبیع در دست فروشنده از بین برود قبل

با وجود انتقادات متعددی که متوجه این روش در ارزیابی از سوی طرفداران تفکر جبران معادل ضرر می‌شود، اما این اصل جایگاه مهمی در نظام‌های قانونی و توافق‌های بین‌المللی دارد، چرا که با هدف اصلی که همان مسئولیت مدنی و حمایت از حقوق طرف زیان دیده است، هماهنگی دارد (Aghababa, 2018).

از سوی دیگر، راه‌های مختلف جبران در مسئولیت مدنی در واقعیت امر راه‌هایی برای اجرای تعهد شخصی است که موجب ضرر شده و با توجه به اینکه انواع خسارت‌های مادی و معنوی و جسمی در طبیعت خود با یکدیگر فرق دارند و هر یک از آن‌ها اشکال مختلفی دارند، راه‌های جبران آن یکی نیست و قوانین ایرانی در خصوص جبران ضررهای مادی برخلاف ضررهای معنوی، به اقدامات یکسانی تکیه اند.

براساس ماده ۳۱۱ قانون مدنی:

«غاصب باید عین مال غصب شده را به صاحبش برگرداند و در صورتی که مال از بین رفته باشد، باید مثل آن یا بهای آن را پرداخت کند و اگر رد مال به هر دلیلی ممکن نباشد، لازم است جایگزین آن را بپردازد»

طبق ماده ۳۱۲ همین قانون:

«اگر مال ضبط شود و معادلی برای آن وجود نداشته باشد، غاصب باید بها را بپردازد و اگر معادل وجود داشته باشد و از مالیات معاف شده باشد، لازم است بهای نهایی آن را بپردازد».

اما طبق ماده (۲۱۷) :

«مالک می‌تواند خواستار ارزش واقعی ملک شود یا در صورت از بین رفتن ملک، مثل آن یا بهای کامل آن یا قسمتی از مال از غاصب اول یا هر غاصب دیگری که مالک بخواهد، درخواست می‌شود».

همانطور که ماده ۲۲۸ در خصوص تسبیب می‌گوید:

«کسی که به طور غیر مستقیم باعث اتلاف مال غیر شود، باید مثل یا بهای آن را بپردازد و تفاوتی نمی‌کند که این اتلاف مال را به صورت عمدی انجام داده باشد یا غیر عمدی و اینکه حقیقی باشد

از اینکه مشتری آن را بگیرد، جزو مال فروشنده محسوب می‌شود و مشتری مسئولیتی ندارد.^۱

اما در قانون عراقی مواد مربوط به جبران آمده است، بویژه تعدادی از مواد قانونی به طور کلی که به مسئولیت مدنی اختصاص دارد، همانطور که این مواد کیفیت استحقاق جبران و ارزیابی آن را مشخص کرده و شروط جبران ضررهای مادی و معنوی را علاوه بر جبران ضررهای آینده تعیین می‌کند.

برای مثال ماده (۱۶۸) شروط استحقاق جبران ضرر ناشی از مسئولیت عقدی را تعیین می‌کند، همانطور که بر ضرورت وجود رابطه سببی و نتیجه بین اشتباه و ضرر تاکید می‌کند. که در آن آمده است:

«اگر برای متعهد به قرارداد اجرای تعهد به صورت عینی محال باشد، به دلیل عدم وفای به تعهد بر او حکم به جبران داده می‌شود و این مادامی است که ثابت نشود محال بودن اجرای عقد به دلیل یک دلیل خارجی است که ارتباطی به آن طرف ندارد. در صورت تاخیر متعهد به اجرای قرارداد نیز حکم به همین ترتیب است».

اما ماده ۱۶۹ انواع ضررهای جایز الجبران را مشخص کرده و چگونگی ارزیابی غرامت برای ضررهای مادی و معنوی را روشن می‌کند:

«اگر جبران در عقد یا در نص قانون مشخص نشده باشد، دادگاه آن را تعیین می‌کند و جبران برای هر تعهدی می‌شود که از عقد سرچشمه می‌گیرد، و تفاوتی نمی‌کند که تعهد مربوط به انتقال مالکیت باشد یا مربوط به منفعتی هر حق عینی دیگر یا تعهد به کاری یا امتناع از فعلی که می‌تواند خسارتی باشد که به داین رسیده یا آنچه او به دلیل ضایع شدن حق یا به دلیل تاخیر در استیفای آن به شرط اینکه نتیجه طبیعی عدم وفای مدیون به تعهد یا تاخیر او در وفای به تعهدش باشد. پس در صورتی که مدیون مرتکب غش یا اشتباه بزرگی نشود، در جبران آنچه معمولاً در عقد مورد پیش

بینی بوده، از قبیل خسارتی که جایگزین شود یا آنچه از دست برود، جایز نیست».

اما ماده (۱۷۰) جبران توافقی را تنظیم می‌کند که در عقد بین دو طرف تعیین می‌شود، همانطور که شروط صحت و تاثیر آن در ارزیابی جبران را مشخص می‌کند و ماده مذکور از این قرار است: «۱- طرف‌های قرارداد می‌توانند در ابتدا بهای جبران در عقد را در توافق الحاقی مشخص کنند و در این حالت احکام مواد ۱۶۸، ۲۵۶، ۲۵۷ و ۲۵۸ را در نظر دارند».

۲- در صورتی که مدیون ثابت کند داین هیچ ضرری به او وارد نکرده، جبران توافقی مستحق نیست و اگر مدیون ثابت کند ارزیابی سنگین و هنگفت بوده یا تعهد اصلی در بخشی از آن اجرایی شده، تخفیف در جبران جایز است و هر توافقی که برخلاف احکام این بند باشد، باطل می‌شود. ۳- اما در صورتی که ضرر از بهای جبران توافقی فراتر رود، داین نمی‌تواند درخواست میزان بیشتری از این بها را بدهد، مگر اینکه ثابت کند مدیون مرتکب غش یا اشتباه بزرگی شده است».

اما ماده (۲۰۷) چگونگی ارزیابی جبران در مسئولیت تقصیری را معین کرده و بر این ضرورت تاکید می‌کند که ضرر نتیجه طبیعی اقدام غیر مشروع است:

«۱- دادگاه جبران در تمام حالت‌ها را به اندازه ضرری که به زیان دیده رسیده و آنچه از دست داده تعیین می‌کند به این شرط که نتیجه طبیعی عمل غیر مشروع باشد».

۲- محرومیت از منافع بزرگان، وارد ارزیابی جبران می‌شود و می‌تواند ضمانت روی دستمزد را شامل شود».

اما ماده (۲۰۸) کیفیت جبران ضرر مادی و معنوی را مشخص کرده و روشن می‌کند که جبران می‌تواند در تمام ضررهایی صورت گیرد که به خسارت دیده می‌رسد:

^۱ ماده (۱۷۹) قانون مدنی عراق.

«اگر برای دادگاه مقدور نباشد که مقدار جبران را به صورت کافی تعیین کند، می‌تواند برای خسارت دیده حقی را حفظ کند که طی یک مدت معقول درخواست تجدید نظر در ارزیابی غرامت را داشته باشد.»

بند دوم: دادن مثل مال

گاهی ضرر ناشی از فعل زیان رساننده از نوعی است که می‌تواند موجب نابودی دارایی‌هایی که در معرض ضرر قرار گرفته یا باعث غیر قابل استفاده شدن آن‌ها شود. در این حالت، ارجاع یا بازگرداندن عنصری که معامله بر سر آن صورت گرفته محال است. برای مثال، اگر حکم دادگاه تخلیه یک واحد مسکونی باشد، اما در حین تخلیه شخص مدان (بدهکار) اقدام به انداختن کولر از سطح ساختمان به حیاط کند، در این نوع ضرر، با توجه به اینکه موضوع ضرر فعلی مفقود محسوب می‌شود و امکان تعمیر یا اصلاح آن وجود ندارد، شخصی که باعث ضرر شده، ملزم به خرید کولر مشابه و واگذاری آن به صاحب خانه است. (Barikloo, 2008).

از این رو، فرضیه اولی که شخص را مجبور به اتخاذ اقدامی برای جبران خسارت عینی می‌کند، زمانی است که هیچ بخش ملموسی از آن دارایی‌ها باقی نمانده یا مفقود شده محسوب شود. همچنین اگر ارجاع مال باعث ضرر یا خسارت اموال شود، در اینجا احتمال نابودی مال است.

در این حالت هم تعدیل حکم رفض العین عینی و تغییر آن به روش دومی مانند بدل (جایگزین) واجب است. همچنین اگر ارجاع طبیعی و اقدامات جدید به حالت اصلی آن‌ها به دلیل تغییراتی که صورت گرفته ممکن نباشد، صدور حکم رفض نفس المال جایز نیست. در این حالت اموال مفقود شده محسوب می‌شود و حکم به ارجاع آن‌ها داده نشده و جبران خسارت به شکل دیگری صورت می‌گیرد. از این رو، اگر در جریان اجرای حکم ضرری متوجه اموال طرف زیان دیده شود،

دیگر نمی‌توان آن را ملک نامید و طرف زیان رسان ملزم به جبران ضرر از طریق دیگری است (Madani).

نظریه شماره ۸۰۸۴/۷ در تاریخ ۱۳۷۴/۱/۲۰ آورده است:

«اگر محکوم علیه یک ارز خارجی داشته باشد و امکان دست یابی به آن باشد، همان ارز به محکوم علیه اعطا می‌شود. در غیر این صورت، ثمن محکوم علیه به ریال به او پرداخت می‌شود.»

طبق این نظریه با توجه به اینکه مدعی علیه اصلی سرمایه مشابهی (به دلار آمریکا) داشته و طبق تحقیقات مرتبط امکان دسترسی به دلارهای آمریکایی در زمان اجرای حکم را نداشته باشد، اگر امکان دست یابی به آن‌ها در بازار آزاد یعنی دفاتر صرافخانه وجود داشته باشد تا هزینه محکوم علیه تأمین شود، مبلغ آماده شده و ثمن پرداخت می‌شود، و در صورتی که امکان فراهم شدن آن از این طریق نباشد، دادگاه ثمن را به ریال مشخص کرده و آن را به محکوم علیه می‌پردازد. از این رو، معیار پرداخت همانطور که در حالت اموال مفقود شده هنگامی است که ارجاع دارایی‌ها طبق عرف ممکن نباشد یا هنگامی که ارجاع آن معمولاً به نفع هر دو طرف نباشد.

در این حالت، اگر مال مشابه باشد، دفع عین آن واجب است و اگر مشابه نباشد، دفع ثمن آن به زیان دیده ضروری است (Adl, 1994).

فرضیه دوم که می‌توان آن را هنگام جبران در نظر داشت زمانی است که بازگرداندن دارایی‌ها موجب ضرر جسمانی برای شخص مسئول یا دیگر اعضای جامعه شود. در دفع ثمن و بدل مال محل ضرر، در نظر گرفتن مکان و زمان ضرر و جبران آن ضروری است. یعنی اگر شخصی که موجب ضرر شده بتواند ضرر را به صورت مستقیم جبران کند، باید چنین کند، اما اگر سفر به مکانی که معمولاً دور محسوب می‌شود ضروری باشد، به دلیل موعده پرداخت غرامت‌ها باید به شخص خسارت دیده معادل یا ثمن آن را پرداخت کند.

گفتار دوم: لزوم جبران خسارت معنوی

از جمله اصول مهمی که بر روابط اجتماعی حاکم است، اصل وجوب جبران ضررهایی است که غیر به افراد وارد می‌کنند یا قاعده مسئولیت مدنی در معنای خاصش. برخی فقها این اصل را یکی از اصول سه گانه اساسی حاکم بر روابط قانونی انسانی می‌دانند. و برخی فقهای مسلمان در تفسیر خود از قاعده مشهور لا ضرر که یکی از مهمترین و شایع ترین قواعد فقهی است، منظور از تشریع این قاعده مشهور، خلاصه کلام رسول اکرم(ص) در حالت تجاوز فردی به حریم خانواده یکی از انصار است:

«محکومیت روح تجاوز و ارتکاب افعالی که به دیگران خسارت وارد می‌کند» و «تاکید بر مراعات حقوق انسان و آزادی‌های او و حفظ آن امتناع از تجاوز به حریم خصوصی معنوی دیگران» و همچنین «تاکید بر ضرورت جبران هر ضرر مادی و معنوی که به افراد می‌رسد» (Mirshkari, 2017).

در خصوص جبران ضررها، قانون مدنی به اعتبار اینکه قانون مادر است، ضررهای ادبی را ذکر نکرده است و چه بسا می‌توان گفت در این قانون زمانی وضع شده است که ضررهای ادبی شایع نبودند. اما با دقت نظر در مواد این قانون می‌بینیم که قانونگذار مدنی کاملاً از این مساله غافل نبوده است. برای مثال در ماده ۱۳۰ قانون مدنی آمده است:

«هیچ کس حق ندارد منزل خود را در مساحت منزل مجاور بدون کسب اجازه از همسایه گسترش دهد و اگر اقدام به این کار بدون اجازه کند، در آینده از او خواسته می‌شود که آن را از تخریب کند.» یا ماده ۱۳۲ که اصل لا ضرر را قبول می‌کند. و این محتوای مواد ۱۳۳، ۱۰۴۳، ۱۱۱۵، ۱۱۱۷، ۱۱۱۹ و ۱۱۱۳۰ است. اما قانونگذار به جبران این ضررها توجهی نداشته و وسیله‌ای برای خلاصی و خروج از محیط ضرر فراهم نکرده است.

برای مثال، ماده ۱۰۴۳ کیفیت حل مشکل مخالفت پدر یا جد با اجازه ازدواج دختر بدون دلیل منطقی را توصیف کرده، اما چگونگی جبران ضررهای ناشی از عدم اجازه را ذکر نکرده است. با این حال، قانون مسئولیت مدنی بر جبران ضررهای معنوی در بسیاری حالت‌ها متمرکز است. برای مثال، در پایان ماده ۱ آمده است: «... هر کس موجب ضرری شود که نتیجه آن یک خسارت مادی یا معنوی برای غیر است، مسئول جبران ضرر ناشی از فعل می‌شود». یا در ماده ۳ از این قانون و پس از تاکید بر جبران خسارت مادی یا معنوی که به طرف زیان دیده رسیده، در ماده ۲ اختیار تعیین مقدار ضرر و راه جبران به دادگاه داده شده است.

دو ماده ۹ و ۱۰ این قانون هم به امکان جبران ضررهای معنوی با ابزارهای مادی اشاره دارند و طبق ماده ۱۰ راه جبران ضررها از طریق تعهد به عذرخواهی و انتشار حکم در روزنامه‌ها و نظیر آن است.

در این راستا، همچنین می‌توان به برخی مواد قانون مرافعه‌های مدنی اشاره کرد، برای مثال در ماده ۲۲۵ این قانون آمده است: «اگر دادگاه مقرر کند که هدف از اقامه دعوی تاخیر در اجرای تعهد یا خسارت دیدن طرف دیگر یا تصرف عمدی است، دادگاه ملزم به صدور حکم یا دستور است و به مدعی دستور پرداخت سه برابر هزینه‌های اقامه دعوی به نفع طرف دیگر را می‌دهد.» یا در ماده ۲۷۱ این قانون آمده است:

«اگر دادگاه مقرر کند که دعوی طرف سوم با همدستی یکی از طرف‌های دعوی به دلیل تاخیر در انجام تعهدات اقامه شده، در صورتی که مشخص شود طرف سوم منصف نیست، دادگاه ملزم به اعطای دو برابر هزینه‌های اقامه دعوی به نفع دولت به اضافه غرامت‌های قانونی است.»

همچنانکه روشن است، این قوانین غالباً به مثالهایی برای ضررهای معنوی و جبران آن‌ها اشاره دارد و می‌بینیم که این مساله همچنین در برخی قوانین دیگر وجود دارد. مانند قانون اقدامات جنایی و

قانون مجازات‌های اسلامی (بویژه مواد حدود و دیه‌ها مانند ماده ۴۵۰ و ۴۵۳، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۸ و ۵۰۹) و قانون حمایت از حقوق مولفان، آهنگسازان و لایحه‌های مربوط به روزنامه نگاری، لایحه‌های مرتبط به استفاده نادرست از نشان‌های تجاری و برندهای تجاری و طراحی‌ها و نمونه‌های صنعتی و حقوق مخترعان..

(Aghababa, 2018)

در قانون عراقی، جبران ضرر معنوی به معنای جبران ضررهایی است که به شخص حقیقی به دلیل آسیب به جان یا شهرت، یا آزادی یا جایگاه اجتماعی می‌رسد. و این نوع جبران با جبران مادی مربوط به ضررهای مالی فرق می‌کند. اما شروط جبران ضرر معنوی آن است که یک فعل زیان رسان وجود داشته باشد، این فعل موجب ضرر معنوی شود و یک رابطه سببی بین فعل و ضرر وجود داشته باشد. و قاضی اقدام ارزیابی جبران ضرر معنوی براساس شرایط حاکم بر حادثه و میزان خسارتی که به زیان دیده رسیده می‌کند (Muhammad, 2008). پیش از این به ماده ۱۶۹ قانون مدنی عراق اشاره کردیم که انواع ضرر جایز الجبران را مشخص کرده، به چگونگی جبران ضررهای مادی و معنوی پرداخته و نشان داده که شایسته است جبران در تمام ضررهایی باشد که به خسارت دیده رسیده است.

همانطور که گفتیم، جبران نقدی به معنای جبران با بدل است، همانطور که آن، اصل ارزیابی جبران اقدام غیر مشروع است و این راه، مناسب ترین راه برای جبران ضرری است که بر آن فعل مترتب شده و بهترین وسیله برای جبران ضرر معنوی یا تخفیف آن است (Sidqi, 2014). اهمیت جبران نقدی در این مساله است که نقدینگی وظیفه دارد ضرر ناشی از فعل زیان رسان را جبران کند و تفاوتی نمی‌کند که ضرر مادی یا معنوی یا جسمی باشد، به این دلیل که پول می‌تواند نقش راضی کننده‌ای در ایجاد یک حالت توازن در ذمه معنوی شخص خسارت دیده داشته باشد، چرا که پول اصل ابزارهای ارزیابی ضرر است. از این رو، قانونگذاری‌های

وضع‌ی به این نوع جبران به شکل واضحی توجه داشته و در قوانین خود به آن اشاره کرده اند. و می‌توان مبلغ مادی را در یک یا چند قسط به زیان دیده پرداخت کرد و این مساله به نظر قاضی در مورد تعیین ساز و کار و چگونگی جبران نقدی براساس شرایط باز می‌گردد که قانونگذار عراقی در این مورد آورده است:

«دادگاه راه جبران را براساس شرایط مشخص می‌کند و می‌تواند به صورت اقساطی یا پرداخت مرتب باشد و در این حالت الزام مدیون برای ارائه تضمین یا وثیقه جایز است» (Ismail, 2003).

نتیجه‌گیری

هدف از قواعد و اصول مسئولیت مدنی معمولاً جبران خساراتی است که به صورت عطف به ما سبق نشدن رخ داده‌اند. بنابراین، هرگز نباید از آن‌ها به عنوان وسیله‌ای برای سود و استثمار توسط زیان‌دیده استفاده شود. در مسئولیت قراردادی، هدف از جبران خسارت در درجه اول قرار دادن متعهد در موقعیتی است که در صورت انجام تعهد خود در آن قرار می‌گرفت.

علاوه بر پرداخت خسارت، غرامت‌هایی مانند حق خیار و حق حبس نیز وجود دارد. طبیعتاً در مسئولیت مدنی، اگر احتمال تکرار عمل زیان‌بار وجود داشته باشد، می‌توان دستوری برای جلوگیری از تکرار آن را غرامت دانست.

روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی، که روش‌های انجام تعهد مسئول خسارت هستند، بر اساس اهداف مسئولیت مدنی تعیین می‌شوند.

اهداف جبران خسارت عبارتند از:

جبران کامل خسارت، جلب رضایت زیان‌دیده و بازگرداندن وضعیت به حالت قبل. با توجه به اعتبار متفاوت این اهداف در نظام‌های حقوقی، روش‌های تأمین آن‌ها یکسان نیست.

این روش‌ها عموماً شامل موارد زیر است: جبران خسارت به صورت غیرنقدی یا بازگرداندن وضعیت قبل، که می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد؛ و جبران خسارت معادل، که دو نوع است:

حال، ترتیب تقدم و تأخر بین آنها موضوع سیاست عمومی نیست؛ بنابراین، طرفین می‌توانند در مورد اختلاف نظر توافق کنند، یا دادگاه می‌تواند روش مناسب را انتخاب کند (ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی).

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The concept of civil liability in both Iranian and Iraqi law represents one of the most important mechanisms for safeguarding rights and ensuring justice through the compensation of damages. Civil liability, whether contractual or tortious, essentially arises when one party causes harm to another, and the legal system obliges the wrongdoer to restore the injured party to the condition they would have been in had the injurious act not occurred. At its core, this legal relationship is built upon the existence of damage as a necessary precondition for liability. Without demonstrable harm, liability does not materialize. Jurists have emphasized that compensation is a legal duty tied to the principle of restoring equilibrium between parties, which becomes particularly vital in societies where adherence to contract and trust in legal institutions underpin social stability (Al-Awji, 2007). In Iraqi law, Article 204 of the Civil Code explicitly stipulates that “any trespass that causes harm to another requires compensation,” thereby affirming the dual elements of wrongdoing and causal connection as prerequisites for reparation. Damage is broadly categorized as material, which includes physical injury and financial losses, and moral, which pertains to emotional distress, damage to reputation, and injury to dignity (Ali, 2011). Iranian law similarly aligns

جبران خسارت غیرنقدی (ارائه معادل) و جبران خسارت پولی (پرداخت پول).

اصول کلی روش‌های جبران خسارت ذکر شده در بالا، در نظام‌های حقوقی عراق و ایران تا حد زیادی مشابه هستند، اما ماهیت استفاده از آنها و ترجیحات داده شده به هر یک، بین نظام‌های حقوقی متفاوت است. دو روش اصلی جبران خسارت، مانع‌الجمع نیستند، زیرا یا زیان‌دیده یا طرف خسارت‌زنده می‌توانند به صلاح‌دید خود یکی از آنها را انتخاب کنند. با این

with these principles, embedding them in statutory provisions and judicial practice. This commonality underscores the universal role of civil liability in bridging the gap between fault and fairness, thereby not only protecting the injured party but also reinforcing broader principles of justice and deterrence within society (Al-Zuhayli, 2003; Ibn Manzur, 2010; Shaltout, 1995).

A fundamental distinction between contractual liability and civil (tortious) liability is found in the presence or absence of a contract between the parties. Contractual liability arises from breach of agreed terms, where failure to meet contractual obligations causes harm. In contrast, tortious liability emerges in the absence of a contractual bond, whereby a party's wrongful act independently imposes an obligation to compensate. Despite this distinction, both forms of liability converge on the shared objective of reparation. The Iraqi Civil Code highlights not only the requirement of actual harm but also conditions ensuring that the harm is real, direct, and personal (Abd al-Majid, 1980; M. K. Hassan, 2006; Nasr al-Din, 1983). Scholars differentiate between “compensation” as the actual substitute for loss and “guarantee” as the obligation itself, pointing out that financial indemnity or restitution of property is the practical manifestation of these concepts (Al-Bousaidi, 2005). Compensation is not limited

to direct monetary redress; it encompasses both material and moral forms, judicially assessed damages when pre-agreed terms are absent, and even forms of restitution like apologies, symbolic remedies, or the restoration of a party's reputation. Importantly, both Iranian and Iraqi systems emphasize proportionality, requiring that the compensation align with the actual harm suffered and not exceed it. This principle, reflected in comparative law traditions as well, ensures fairness and prevents enrichment of the injured party at the expense of the wrongdoer (Abd al-Hakim, 1998; Ahmad, 2008; Jabbar, 1984).

The typology of compensation within these systems demonstrates their adaptability to diverse circumstances of harm. Material compensation involves restitution of lost property, reimbursement of financial damages, or provision of equivalent goods when specific performance is impossible. The Iraqi Civil Code emphasizes restitution in kind, obligating a usurper to return the actual property or its equivalent when the original is destroyed (Amid Zanjani, 2003). Similarly, Iranian law under Article 311 mandates the return of the usurped property, or failing that, its equivalent value. Courts are empowered to assess damages in both jurisdictions, with the discretion to adjust compensation amounts according to equity and the nature of harm. Special scenarios such as the loss of opportunities have also been recognized as compensable harm, highlighting the evolving nature of liability in addressing modern legal challenges (Al-Dhanun, 2006). In addition to restitution and equivalence, compensation may also cover foreseeable damages (expected harm) and unforeseen ones, depending on judicial interpretation and contractual stipulations. For instance, Iranian law through Article 228 and related provisions underscores liability for indirect or consequential losses where causality can be reasonably established.

This demonstrates how legal doctrines maintain a balance between strict adherence to contractual commitments and flexibility in recognizing broader dimensions of harm (Adl, 1994; Barikloo, 2008; Madani).

The notion of moral damages constitutes one of the most debated aspects of compensation, particularly in reconciling traditional religious legal doctrines with modern statutory frameworks. Harm to dignity, reputation, emotions, or personal rights cannot be measured in the same manner as material loss. Consequently, systems have devised various remedies, ranging from monetary compensation to symbolic measures like apologies, publication of judgments, or other restorative actions. Critics argue that financial compensation cannot adequately restore lost honor or reputation, viewing such awards as insufficient or even insulting (Aghababa, 2018; Badini, 2005). However, proponents counter that monetary awards provide at least partial solace, prevent disregard of non-material rights, and maintain legal coherence in addressing intangible harm. Islamic jurisprudence and Iranian law demonstrate ambivalence toward purely monetary remedies for moral damage, yet judicial practice often allows such compensation as a pragmatic solution. Iraqi law, on the other hand, explicitly recognizes compensation for moral damages where personal injury, loss of reputation, or harm to freedom and social standing has occurred (Muhammad, 2008; Sidqi, 2014). Judges are granted discretion to evaluate the context of each case, tailoring remedies to the severity of harm and the circumstances of the injured party. These provisions indicate an incremental recognition of moral rights within civil law systems, suggesting convergence with international standards of human rights protection and expanding the scope of civil liability beyond purely material concerns (Mirshkari, 2017).

Beyond compensation itself, civil liability serves broader societal functions such as deterrence and the preservation of social order. By obliging wrongdoers to repair harm, the legal system creates a deterrent effect, discouraging potential violations of law and encouraging individuals to respect the rights of others (A. a.-D. Hassan, 2006). Some jurists draw upon Quranic verses to justify retributive principles, emphasizing proportionality in punishment and deterrence as secondary goals of civil liability (Aghababa, 2018). Compensation thus functions not merely as redress for victims but as a financial penalty intended to discourage similar harmful conduct, aligning civil liability with preventive policy. Furthermore, liability fosters social stability by upholding principles of justice, fairness, and respect for legal rights. Without such mechanisms, disputes would proliferate, contracts would lose enforceability, and trust in the legal system would erode. The Iranian and Iraqi codes therefore integrate civil liability not only as a remedial tool but as a structural safeguard that sustains societal order and promotes harmonious relationships among citizens. The deterrent effect is particularly pronounced in cases involving negligence or abuse of contractual obligations, where compensation becomes a warning to other actors against breaching social and legal expectations (Aghababa, 2018; Badini, 2005). In conclusion, the Iranian and Iraqi approaches to civil liability and compensation of damages reveal both convergence and divergence rooted in their respective legal traditions, religious doctrines, and legislative frameworks. Both systems prioritize the principle of reparation, recognizing that damages—whether material or moral—must be adequately compensated to restore the injured party. Mechanisms include restitution in kind, monetary awards, judicially assessed damages, and symbolic remedies, all guided by the principles of causality, proportionality,

and fairness. While Iranian law tends to emphasize restitution and demonstrates caution in awarding moral damages, Iraqi law provides broader recognition of intangible harm. Both, however, acknowledge the societal role of liability in maintaining justice, deterring wrongful acts, and upholding order. Ultimately, compensation under civil liability is not a means of enrichment but a corrective measure designed to rebalance relationships disrupted by harm. By aligning traditional legal principles with contemporary needs, the two systems continue to evolve in ways that reaffirm the central role of civil liability in ensuring justice, protecting rights, and fostering trust in the rule of law.

References

- Abd al-Hakim, F. (1998). *Al-Ta'wid al-Madani - al-Mas'ouliyyah al-Madaniyyah al-Ta'aqqoudiyyah wal-Taqsriyyah* (Civil Compensation - Contractual and Tort Civil Liability). Dar al-Matbou'at al-Jami'iyyah.
- Abd al-Majid, A. H. (1980). *Al-Wajiz fi Nazariyat al-Iltizam fi al-Qanun al-Madani al-Iraqi* (The Abridged on the Theory of Obligation in Iraqi Civil Law) (Vol. 1).
- Adl, M. (1994). *Hoghogh-e Madani (Civil Law)*. Amir Kabir Publications.
- Aghababa, Z. (2018). Barresi-ye Shiveh-ha-ye Jebraan-e Khasarat dar Mas'ouliyyat-e Madani dar Iran wa Hoghogh-e Novin-e Oroupa (A Study of Methods of Compensation for Damages in Civil Liability in Iran and New European Law). *Quarterly Journal of Legal Studies*(19).
- Ahmad, M. R. (2008). *Athar al-Bu'd al-Zamani 'ala Haq al-Madrur fi al-Ta'wid al-Kamil* (The Effect of the Time Dimension on the Right of the Injured to Full Compensation). Dar al-Nahdah al-Arabiyyah.
- Al-Awji, M. (2007). *Al-Qanun al-Madani - al-Mas'ouliyyah al-Madaniyyah* (Civil Law - Civil Liability). Manshurat al-Halabi al-Huquqiyyah.
- Al-Bousaidi, K. H. (2005). *Da'awi Ta'wid fi al-Fiqh wa Tatbiqatuha al-Qada'iyyah* (Lawsuits for Compensation in Jurisprudence and Their Judicial Applications).
- Al-Dhanun, H. A. (2006). *Al-Mabsut fi al-Mas'ouliyyah al-Madaniyyah, al-Darar* (The Comprehensive on Civil Liability, Harm). Dar Wael for Publishing.
- Al-Zuhayli, W. (2003). *Al-Daman fi al-Fiqh al-Islami* (Liability in Islamic Jurisprudence). Dar al-Fikr al-Mu'asir.

- Ali, H. M. (2011). *Al-Ikhlal al-Musbaq bil-'Aqd (Anticipatory Breach of Contract)* University of Babylon].
- Amid Zanjani, A. A. (2003). *Mawjebat-e Daman (Grounds for Liability)*. Mizan Publishing.
- Badini, H. (2005). *Falsafeh-ye Mas'ouliyyat-e Madani (The Philosophy of Civil Liability)*. Enteshar Publishing Company.
- Barikloo, A. (2008). *Mas'ouliyyat-e Madani (Civil Liability)*. Mizan Publications.
- Hassan, A. a.-D. (2006). *Al-Mabsut fi Sharh al-Qanun al-Madani (The Comprehensive Commentary on the Civil Code)*. Dar Wael for Publishing.
- Hassan, M. K. (2006). *Al-Mas'ouliyyah al-Madaniyyah al-Nashiah 'an al-I'tida' 'ala al-Haqq fi al-Surah - Dirasah Muqaranah (Civil Liability Arising from the Violation of the Right to One's Image - A Comparative Study)* University of Baghdad].
- Hassan, Z. (2018). *Al-Darar fi al-Mas'ouliyyah al-'Aqdiyyah (Harm in Contractual Liability)* Mohamed Khider University].
- Hussam al-Din, K. A. Al-Ittijahat al-Hadithah fi Majal Ta'wid al-Adrar al-Nashi'ah 'an al-'Amal ghayr al-Mashrou' (Modern Trends in the Field of Compensating Damages Arising from Unlawful Acts). *Journal of Law*, 2(1).
- Ibn Manzur, M. i. M. (2010). *Lisan al-Arab (The Tongue of the Arabs)* (Vol. 7). Dar Sadir.
- Ismail, S. (2003). *Mas'ouliyyat al-Idarah 'an al-Darar al-Ma'nawi fi al-Qanun al-Iraqi (The Liability of the Administration for Moral Harm in Iraqi Law)* University of Baghdad].
- Jabbar, S. T. (1984). *Iqamat al-Mas'ouliyyah al-Madaniyyah 'ala al-'Amal ghayr al-Mashrou' 'ala Unsur al-Darar (Establishing Civil Liability for an Unlawful Act on the Element of Harm)*. Mosul University Press.
- Madani, J. *Hoghogh-e Madani, Vol. 3 (Civil Law, Volume Three)*. Paydar Publications.
- Mirshkari, A. (2017). *Hoghogh-e Shakhssiyyat wa Hoghogh-e Mas'ouliyyat-e Madani (Personality Rights and Civil Liability Law)*. Enteshar Publishing Company.
- Muhammad, A. T. (2008). *Ta'wid al-Darar al-Ma'nawi fi al-Mas'ouliyyah al-Taqsiriyyah (Compensation for Moral Harm in Tort Liability)*.
- Muhammad, S. A. (2011). *Al-Wadih fi Sharh al-Qanun al-Madani - al-Nazariyyah al-'Ammah lil-Iltizam (The Clear Explanation of the Civil Code - The General Theory of Obligation)*. Dar al-Huda.
- Muqaddam, S. (1992). *Nazariyat al-Ta'wid 'an al-Darar al-Ma'nawi (The Theory of Compensation for Moral Harm)*. Al-Mu'assasah al-Wataniyyah lil-Kitab.
- Nasr al-Din, M. (1983). *Asas al-Ta'wid (The Basis of Compensation)* Cairo University].
- Shaltout, M. (1995). *Al-Islam 'Aqidah wa Shari'ah (Islam, Creed and Sharia)*. General Administration of Culture.
- Sidqi, M. A. (2014). *Al-Ta'wid 'an al-Darar wa Mada Intiqalihi lil-Warathah (Compensation for Harm and the Extent of Its Transfer to Heirs)*.